

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در توثیتی با اشاره به اینکه امریکایی‌ها به ارسال تجهیزات نظامی جدید به این منطقه ادامه می‌دهند و ادعا می‌کنند که هدفشان توقف جنگ است، نوشتست: **آنها فکر می‌کنند که هوش ما به کوتاهی ضریب هوشی خودشان است.** ما به مرحله تسلط در تشخیص بازی‌های امریکایی‌ها رسیده و بر همین اساس، خود را آماده کرده‌ایم. این جمله را شاید بتوان فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی، عصاره درکی عمیق از سازوکار فریب در سیاست خارجی امریکا دانست. در این گزارش، با استفاده از مفاهیم روانشناسی سیاسی و جامعه‌شناسی رفتار دولتی، واشینگتن را از پشت‌لنز این توثیت واکاوی می‌کنیم تا روشن شود چگونه جنگ‌افروزی به نام صلح به یکی از پایدار ترین ترفندهای فریب در قرن اخیر بدل شده‌است.

■ مکانیسم‌های روان‌شناختی

تبلیغات و عملیات روانی با هدف فریب و جهت‌دهی اذهان عمومی عمل می‌کنند. در پژوهش‌های سیاسی و روان‌شناسی سیاسی آمده‌است که اطلاعات نادرست یا دوپهلو به خواص طبیعی ذهن انسان می‌خورد و اثر گذاری آنها را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، سوگیری‌های شناختی مثل سوگیری تأیید موجب می‌شود افراد راحت‌تر مطالبی را بپذیرند که باورهای قبلی‌شان را تأیید می‌کند. رسانه‌های جنگی نیز از مفاهیمی مانند احساسات شدید (مانند خوف و نفرت) یا چارچوب‌سازی هویت جمعی (مانند رویارویی ما و آنها) استفاده می‌کنند تا منطق را تحت‌الشعاع قرار دهند. امریکا با تکرار پیام ما خواهان توقف جنگ هستیم سعی می‌کند در لایه‌ای پنهان اعتماد مخاطبان را جلب کند؛ در حالی که پیام‌های امنیتی و نظامی‌شان (مانند ارسال ناو، پرتاب موشک) قطب دیگری را نشان می‌دهد. این کار شبیه وارونه‌جلوه دادن حقایق سیاسی است، یعنی دامن زدن به شک در قضاوت مخاطب درباره واقعیت. همچنین مفهوم ابهام‌استراتژیک به کار برده می‌شود. امریکا عمداً پیام‌های متضادی ارسال می‌کند تا طرف مقابل را دچار سردر گمی کرده و خود را در موقعیتی انعطاف‌پذیر نشان دهد. مثلاً اعلام همزمان آمادگی برای مذاکره و انجام رزمایش‌های نظامی، حریف را مجبور می‌کند منابع خود را تقسیم کند. پیاده‌سازی فریب از طریق رسانه، امری روانی-اجتماعی است که روی ضعف‌های ذهنی و اجتماعی مخاطب (مانند ترس از جنگ) سرمایه‌گذاری می‌کند.

■ فراقفکنی معکوس

از منظر روانشناسی، بخشی از توثیت قالیباف که به کوتاهی ضریب هوشی اشاره دارد، به روشنی مفهوم فراقفکنی را هدف می‌گیرد. در ادبیات روانکاو، فراقفکنی یعنی نسبت دادن ویژگی‌های منفی خود به دیگری، تا از اضطراب ناشی از آگاهی به آن کاسته شود. وقتی امریکا تجهیزات تهاجمی به منطقه گسیل می‌کند و همزمان ادعای صلح‌طلبی دارد، در واقع تناقض درونی خود را به طرف مقابل منتقل می‌کند: این ماییم که دروغ می‌گوییم، مثلاً برای فرار از این واقعیت، می‌گوییم طرف مقابل آن‌قدر ساده‌لوح است که این ادعا را باور می‌کند. واشینگتن با این کار، ضریب هوشی خود را زیر سؤال نمی‌برد، بلکه هوش مخاطب را پایین فرض می‌کند و در لوای این فرض، به فریب ادامه می‌دهد. قالیباف درست بر همین نقطه دست می‌گذارد و اعلام می‌کند که تهران این فراقفکنی را تشخیص داده‌است. **■ ناهماهنگی شناختی نهادینه‌شده**

نظری به ناهماهنگی شناختی لنون فستینگر می‌گوید انسان‌ها وقتی

■ خبر



■ گفت‌وگو زهراچیدری

سلامت در اربعین یکی از مهم‌ترین مباحثی است که هر ساله مورد توجه قرار می‌گیرد و به همین منظور گروه‌های پزشکی متعددی در مسیر پیاده‌روی اربعین مستقر می‌شوند تا با پیش سلامت زائران حماسه پیاده‌روی اربعین، از بروز حوادث پزشکی و سلامتی در این ایام پیشگیری شده و در صورت بروز بیماری یا مشکل جسمانی برای زائران حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) هر چه سریع‌تر خدمات پزشکی و امدادی در اختیار آنان قرار گیرد. بسیج جامعه پزشکی هم یکی از مجریان اصلی حوزه سلامت اربعین است و همه ساله تعداد زیادی از پزشکان و گروه‌های پزشکی بسیجی برای سلامت در اربعین به عتبات عالیات می‌روند و به زائران حضرت اباعبدالله خدمت‌رسانی می‌کنند. به سراغ دکتر محمد حسین زارع‌زاده، مسئول سازمان بسیج جامعه پزشکی کشور رفته‌ایم تا ببینیم اربعین امسال، بسیج جامعه پزشکی برای سلامت زائران اربعین چه برنامه‌هایی دارد. **آقای دکتر زارع‌زاده همانطور که می‌دانید راهپیمایی بزرگ اربعین امسال حال و هوای خاصی دارد و با عنایت به شرایط جنگی و همچنین شهادت رهبر فرزانه انقلاب پیش‌بینی می‌شود حضور گسترده مردم و زائران حضرت اباعبدالله را داشته باشیم.** بسیج

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۲۳۰۸۸۵

«فریب مذاکره» تحلیل روانشناختی دارد

«جوان»، در گزارشی رفتار ایالات متحده در تلاش برای فریب طرف مقابل به اسم مذاکره

و در واقعیت آماده شدن برای جنگ را تحلیل روانشناختی کرده‌است



همزمان دو باور متضاد داشته باشند، دچار تنش روانی می‌شوند و برای کاهش آن، یکی از باورها را تحریف می‌کنند. رفتار امریکا در منطقه، نسخه دولتی این اختلال است.

اعزام ناوگان،

بسیافکن‌های راهبردی و سامانه‌های موشکی، واقعیتی عینی و جنگ‌افروانه است. شعار توقف جنگ نیز برای مصرف داخلی و بین‌المللی تکرار می‌شود. ذهن سیاست‌گذار امریکایی برای گریز از این تناقض، باور دوم را چنان دستکاری می‌کند که گویی جلوگیری از

جنگ صرفاً از مسیر نمایش قدرت نظامی ممکن است. این همان مغالطه‌ای است که به افکار عمومی جهانی خورانده می‌شود، اما طرفی که به قول قالیباف بر بازی امریکایی‌ها مسلط شده،

می‌داند که این ابیاشست تسلیحات نه برای صلح، که برای جنگ‌افروزی است که خود واشینگتن به آن دامن می‌زند.

■ **گسست میان گفتار و کردار به مثابه یک فناوری اجتماعی**

از درجه جامعه‌شناسی رفتار قدرت‌های بزرگ، این شکاف میان

جوان

روزنامه جوان | شماره ۲۶۵۱

حرف و عمل نه یک اشتباه، بلکه فناوری سلطه است. پیر بوردیو در نظریه خشونت نمادین از قدرتی سخن می‌گوید که با تحمیل چارچوب‌های ادراکی، واقعیت را وارونه جلوه می‌دهد. وقتی امریکا رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و مقامات خود را بسیج می‌کند تا عبارت ارسال کمک‌های دفاعی برای کاهش تنش را تکرار کنند، عملاً در حال ساختن واقعیتی موازی است که در آن، قربانی و مهاجم جابه‌جا می‌شوند. در این میان، جامعه هدف یعنی افکار عمومی جهانی و گاه نخبگان کشور مقابل دچار سردرگمی راهبردی می‌شود؛ نکند این سلاح‌ها واقعاً فقط برای تثبیت صلح باشد! این دقیقاً همان لحظه فریب است که واشینگتن انتظار دارد تهران در آن گرفتار شود. اما توثیت قالیباف نشان می‌دهد که این طلسم شکسته شده و تهران این زست صلح‌طلبانه را بازی می‌خواند.

■ مهندسی ادراک و چراغ سبزه‌های جعلی

از دید روانشناسی شناختی، ارسال تجهیزات همراه با ادعای صلح، نوعی مهندسی ادراک است که دو هدف دارد. هدف اول تزریق تردید است. طرف مقابل را به بازنگری در تحلیل خود وادار کند که شاید امریکا واقعاً به دنبال آرامش است و افزایش توان نظامی‌اش صرفاً صیحه صلح باشد، در نتیجه واکنش قاطع نشان نهد. همچنین هدف دوم عادی‌سازی حضور است. پس از چند دور تکرار این الگو، حضور نظامی سنگین به امری عادی تبدیل می‌شود و دیگر کسی نسبت به آن حساسیت نشان نمی‌دهد. در این مرحله، دست واشینگتن برای هر اقدام بعدی باز است. قالیباف با اشاره به آماده شدن بر اساس تشخیص بازی‌ها، عملاً اعلام می‌کند که این خرجه مهندسی ادراک دیگر کارگر نیست. ایران نه در دام تردید می‌افتد و نه حضور نظامی فزاینده را عادی می‌پندارد، بلکه آن را نشانه مرحله بعدی یک نقشه می‌داند.

■ الگوی کهنه در قاموس امیر بالیستی

جامعه‌شناسان روابط بین‌الملل، رفتار امریکا را مصداق بازی پلیس خوب، پلیس بد می‌دانند. هم‌زمان پلیس بد یک دستست اسلحه می‌فرستد، و پلیس خوب با دست دیگر بیانه صلح صادر می‌کند. این تاکتیک برای منزوی کردن طرف مقابل طراحی شده که اگر تسلیم شد، به نام دیپلماسی برداشت می‌شود و اگر مقاومت کرد، به عنوان تهدیدی که حضور نظامی را توجیه می‌کند، قاب می‌شود.

توثیت اخیر رئیس مجلس نشان‌دهنده عبور از این دوگانه ساختگی است. وقتی تهران می‌گوید ما بازی را تشخیص داده‌ایم، یعنی دیگر منتظر تعیین تکلیف از سوی پیام‌های متناقض واشینگتن نمی‌ماند و کتش خود را بر اساس آنچه هست، یعنی تجهیزات جنگی تنظیم می‌کنیم، نه آنچه گفته می‌شود یعنی توقف جنگ.

■ فریب بزرگ، دیگر گفته می‌شود نیست

آنچه قالیباف در قالب یک توثیت بیان کرد، در حقیقت اعلام پایان کار کرد یک ترفند کهنه روانی-اجتماعی است. الگوی رفتاری امریکا بر این فرض استوار بود که طرف مقابل، گفتار را بر واقعیت ترجیح می‌دهد و می‌توان با یک روایت صلح‌جویانه، انبوه ادوات جنگی را توجیه کرد، اما وقتی مخاطب به مرحله تسلط در تشخیص بازی برسد، این حقه نه تنها بی‌اثر، بلکه به ضد خود تبدیل می‌شود و نیت واقعی را بیش از پیش برملا می‌کند. از این پس، هر کشتی جنگی که به پناهانه صلح به آب‌های منطقه گسیل می‌شود، نه نماد امنیت، که نشانه فریب از پیش خوانده‌شده‌ای خواهد بود که دست‌اندر کاران آن هنوز گمان می‌کنند هوش دیگران به کوتاهی ضریب هوشی خودشان است.

درسلك آفتاب

مهدی مولایی



از مشهد تا انتهای خیابان پیروزی!

رسانه‌ها در روزهای آرامش و شرایط عادی کشور، همیشه ابزاری برای آگاهی‌بخشی عمومی به مردم هستند، اما در روزگار بحران و جنگ، افزون بر این رسالت، وظیفه‌ای بس سنگین‌تر و مهم‌تر نیز بر دوش دارند؛ پاسداری از امنیت روانی جامعه و رعایت ملاحظاتیکه بی‌اعتنایی به آنها می‌تواند هزینه‌هایی فراتر از یک خطای رسانه‌ای صرف بر کشور تحمیل کند! در روزهای اخیر، گفت‌وگوی تلویزیونی جواد موگویی با وزیر امور خارجه، به سبب طرح برخی مطالب درباره مسائل امنیتی، ارائه‌نشانی برخی تونل‌های زیرزمینی تهران و نیز بیان ادعاهایی درباره وقایع داخلی نظیر ادعای سقوط مشهد در اغتشاشات ماه، با واکنش‌ها و انتقادهایی همراه شد. فارغ از اینکه کدام بخش از این اظهارات درست، نادرست یا قابل مناقشه باشد، اصل اجرا پرسشی مهم را پیش روی افکار عمومی جامعه قرار داده‌است؛ آیا در شرایط فعلی میان جنگ و درحالی که روزانه بخش‌هایی از خاک کشور مورد حملات جنایتکارانه دشمن است و امنیت ملی با تهدیدهای سخت و جدی امنیتی و جنگی روبه‌روست، هر سخنی را می‌توان از تربیون‌های عمومی به زبان آورد؟

در همه کشورهای جهان، هنگام بروز بحران‌های امنیتی و نظامی، قواعد فعالیت‌های رسانه‌ای، مطبوعاتی و تلویزیونی دستخوش تغییرات جدی و فوری و تابع پروتکل‌های خاص امنیتی می‌شود. آنچه در شرایط عادی ممکن است صرفاً یک خبر، تحلیل یا سرگرمی رسانه‌ای برای مجری و رسانه منتشرکننده مصاحبه تلقی شود، در وضعیت جنگی می‌تواند به داده‌ای ارزشمند برای دشمن و عاملی برای توشیوش افکار عمومی بدل شود. به همین دلیل، رسانه‌های حرفه‌ای و مسئولان عالی‌رتبه در جهان، پیش از هر مصاحبه و اظهارنظر و فعالیت رسانه‌ای، میان «حق مردم برای دانستن» و «ضرورت حفظ امنیت ملی» توازن برقرار می‌کنند. این توازن، به معنی محدود کردن آزادی بیان نیست، بلکه جلوگیری از این است که خبر، تحلیل یا حتی حدس و گمان یک مجری یا مسئول، در زمانی نامناسب و از مجرای نامطمئن، به ابزاری علیه منافع عمومی ملت تبدیل شود.

از سوی دیگر، تربیون‌های عمومی و خصوصاً تحرکات و فعالیت‌های مسئولان ارشد نظام، محل آزمون و خطا نیستند. در زمانه رصد اطلاعاتی دقیق و موشکافانه دشمن، هر جمله‌ای که از زبان یک مقام رسمی یا مجری شناخته‌شده بیان می‌شود، به سرعت در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتشر شده و گاه بدون کمترین راستی آزمایی، منبای تحلیل‌ها و روایت‌های بعدی برای جامعه قرار می‌گیرد. اگر در چنین فضایی، ادعاهایی مطرح شود که صحت آنها محل تردید باشد یا اطلاعاتی بیان شود که انتشارشان با ملاحظات امنیتی ناسازگار است، نخستین زیان آن متوجه امنیت اجتماعی و اعتماد عمومی خواهد بود. انتشار مصاحبه اقای موگویی با وزیر خارجه، واکنش‌ها و تکراری‌های زیادی را در سطوح مختلف جامعه به دنبال داشته‌است. جامعه و مخاطب انتظار دارد رسانه‌ها و مسئولان کشور، به‌ویژه در شرایط حساس، مرجع انتشار اطلاعات دقیق، سنجیده و مسئولانه باشند؛ نه منشا ابهام و تأیید‌کننده‌گویی‌های افسانه‌ای دشمن و افشای اطلاعات خاص طبقه‌بندی شده.

مسئله، صرفاً یک گفت‌وگو یا یک برنامه تلویزیونی نیست، بلکه سخن از فرهنگ حکمرانی رسانه‌ای غالب بر کشور است. رسانه در شرایط جنگی، باید بیش از هر نهاد دیگری به خطوط قرمز امنیت ملی، اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و الزامات اطلاع‌رسانی در شرایط بحران پایبند باشد. همچنین صاحبان مسئولیت نیز باید بدانند که هر کلمه و جمله در روزگار جنگ، می‌تواند اثری فراتر از یک جمله داشته‌باشد. تأیید اطلاعات، با بیان جزئیات روز واقعه شهادت رهبری یا عدم ارتباط وزیر خارجه کشور با رهبری معظم، مسائلی نیست که بتوان به سادگی و با لبخند برای رسانه‌ها فاش کرد.

امروز بیش از هر زمان دیگر، کشور به انضباط رسانه‌ای، هماهنگی در اطلاع‌رسانی و احساس مسئولیت مشترک نیاز دارد. نقد عملکرد رسانه‌ها و مسئولان، ضرورتی انکارناپذیر است، اما این نقد نیز باید به تقویت سازوکارهای حرفه‌ای بینجامد. حفظ امنیت ملی، پاسداشت اعتماد عمومی و صیانت از منافع مردم، هدفی است که هیچ جذابیت رسانه‌ای، هیچ گفت‌وگوی پرمخاطب و هیچ رقابتی برای جلب توجه، نباید بر آن سایه بینگند. لطفاً در گفت‌وگوهای بعدی، نشانی بقیه تونل‌ها و پایگاه‌های نظامی را برای خودتان نگه دارید و در بیان جزئیات وقایع مهم خویشنداری کنید. امروز با گذشت ده‌ها سال از وقایع مهم امنیتی در غرب و امریکا نظیر کودتاها و جنگ‌ها، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آن کشورها اطلاعات سوخته را با وسواسی بی‌نظیر و به صورت قطره‌چکانی و با احتیاط انجام می‌دهند. خسرات داخلی اما چهارم‌ام پس از امنیتی‌ترین و مهم‌ترین وقایع تاریخ بیست‌و یک سیز چای و با لبخند درباره داده‌های نظامی و جزئیات وقایع و نوع ارتباط امنیتی مسئولان ارشد نظام صحبت می‌کنند. توقع جامعه از رسانه و مجری‌های توانمند و مسئولان باتجربه نظام، چیزی فراتر از آنچه رخ داده‌است!

گروه‌های غیر



۴ مدال ایران در المپιάد جهانی اقتصاد

تیم ملی ایران در المپιάد جهانی اقتصاد (IEO) موفقیت‌ارزشمندی کسب کرد.

نهمین دوره المپιάد جهانی اقتصاد (IEO ۲۰۲۶) در شهر شژن چین، به پایان رسید و تیم ملی ایران موفق شد به یک مدال نقره و سه برنز دست یابد. این رویداد علمی از ۱۲ تا ۲۰ جولای ۲۰۲۶ (۲۱ تا ۲۹ تیر ۱۴۰۵) با حضور بیش از ۲۷۰۰ شرکت‌کننده از ۵۴ کشور جهان در شهر شژن برگزار شد. اعضای تیم ملی در این دوره از رقابت‌ها به چهار مدال دست یافتند.

• **مبین کریمی** دیزچه مدال نقره، علیرضا آتش‌ی مدال برنز، محمدحسین رحیمی‌نژاد مدال برنز و احسان ذوالفقاری نیز در این مسابقات موفق به کسب مدال برنز شدند.